



# ادبیتامعاصر

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری - سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴

فصلنامه فرهنگی، ادبی و هنری ادبیات معاصر

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیر مسئول: حسین حیدریبگی

معاون مدیر مسئول: علی پیام

سر دبیر: محمود جعفری

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

تقی واحدی، حبیب صادقی، حسین فخری،

حسین علی کریمی، حمزه واعظی، دین محمد جاوید،

روح الله روحانی، زهرا زاهدی، سلمانعلی ارزگانی،

سید ابوطالب مظفری، صادق دهقان، عقیف باختری،

علی بابا اورنگ، غلامرضا ابراهیمی، قنبرعلی تابش،

محمد واعظی، محمدشریف سعیدی،

محمدیونس طغیان ساکابی، نادر احمدی و هادی مروج.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

مدیر هنری: هادی مروج

ویراستار: علی پیام

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا

بصیر بیتا، بصیراحمد حسین زاده، سکینه محمدی،

سید اقبال حسینی، سید علیرضا جعفری،

سید مرتضی حسینی شاه ترابی، حمیرا قادری، شهرزاد

اکبر، قاسم سام قاموس، قدرت الله رجوی، محمد جاوید،

محمد عرفانی، محمد کاظم کاظمی، محمد کیامهر،

محمد نوریان، محمود حسن آبادی، مهدی زرتشت و

یعقوب یسنا.



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴



مراکز پخش

افغانستان - کابل: دفتر مرکزی، کارته سه، سرک سه، خانه شماره ۱۸۷،

شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۸۸۳۱۱۵۲۴ - ۰۰۹۳۷۴۴۲۸۳۹۲

E-mail: adabyat2016@gmail.com

مزار شریف: تقی واحدی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۵۳۹۳۶۶

هرات: عبدالواحد رفیعی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۴۰۹۹۳۲

دایکندي: عبدالهادی رحیمی زاده، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۵۵۷۷۸۲۹

بامیان: محمدامین ابتهاج حجتی، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۷۶۷۰۱۲۳۴

غزنی: حکمت الله نظری، شماره تماس: ۰۰۹۳۷۴۴۵۶۰۷۷۲

تاجیکستان - پروفیسور روشن رحمان، شماره تماس: ۰۰۹۹۲۹۱۹۸۹۰۲۰۸

ایران - مشهد: سید ابوطالب مظفری، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۶۴۶۵۸۱۷۷

قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، محمدعلی جویا، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۱۰۲۰۴۸۰۰۷

تهران: صادق دهقان، شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۶۷۰۳۰۹۷

استرالیا - آدلاید: نادر احمدی، شماره تماس: ۰۰۶۱۴۳۲۱۴۰۲۷۷

اروپا - اروپای شرقی - ناروی: حمزه واعظی، شماره تماس: ۰۰۴۷۹۶۸۵۷۳۳۱

اروپای مرکزی - انگلستان: ابراهیم افتخاری، شماره تماس: ۰۰۴۴۷۵۸۷۶۹۱۴۵۵

مجله در ویرایش و کوتاه کردن مطالب دست باز دارد.  
مسئولیت محتوای مطالب به دوش نویسنده است.  
اخذ مطالب از این فصلنامه با ذکر منبع بلامانع است.  
مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.  
بهاء: ۱۷۰ افغانی

## فرهنگ

سرمقاله: عاشقی گر زین سر و گر زان سر است / مدیر مسئول / ۳  
کارنامه: پادشاه ممالک خطیم / سلمانعلی ارزگانی / ۵  
من راوی / حمزه واعظی / ۶  
بعضی کارهای ناتمام / محمدکاظم کاظمی / ۷  
نویسنده نَفَس های پنهانی / حمیرا قادری / ۸

سلطه در زمانی هنر بر سیاست / قنبرعلی تابش / ۱۰  
عشق و حسرت های رودکی / نورمحمد نورنیا / ۱۸  
تأثیر تمدن اسلامی بر معماری افغانستان / داکتر سید علی اقبال / ۲۲  
رنگ در ادبیات شفاهی هزاره ها / دین محمد جاوید / ۲۷  
جنگ و صلح در شاهنامه فردوسی / داکتر محمدیونس طغیان ساکایی / ۳۳  
پرونده: تحصیلات عالی خصوصی؛ توسعه فرهنگی / ۳۹

## ادبیات و هنر

درنگی بر نسبت فلسفه و ادبیات / روح الله روحانی / ۵۸  
ادبیات، پاسدار ارزش های انسانی / حسین فخری / ۶۶  
همسانی ها و ناهمسانی ها / حسین حیدر بیگی / ۶۸  
زن در اندیشه و شعر محمد شریف سعیدی / داکتر محمود حسن آبادی / ۷۴  
هنجارگریزی در مجموعه شعر پریدن پلنگ روی وزن گوزن / محمود جعفری / ۸۰  
پرتو نادری در وسط امر نوشتن شعر / یعقوب یسنا / ۸۸  
زمین برای شاعر زن هنوز تنگ است / داکتر صادق دهقان / ۱۰۰  
علیه فراموشی / علی پیام / ۱۰۶  
نقد فرمالیستی داستان دخمه ای برای سمور آبی / سید مرتضی حسینی شاه ترابی / ۱۱۲  
شخصیت و زبان در داستان بلند ریسمان شنی / حبیب صادقی / ۱۱۹  
محور چرخش سوژه، زبان و آغاز داستان در مجموعه داستان سنگ قبر / بصیر بیتا / ۱۲۴  
نقد اجتماعی هزار خورشید تابان اثر خالد حسینی / سید علیرضا جعفری / ۱۲۹  
شعر معاصر افغانستان: سید ابوطالب مظفری، شکریه عرفانی، محمدشرف سعیدی، سید رضا محمدی، نادر احمدی، فاطمه فیضی، علی جعفری، جعفر عزیز، امان میرزایی، موسی ابراهیمی، سهراب سیرت، مرتضی برلاس، آسیه پناهی، عاقله شریفی، محمد جاوید جاوید / ۱۳۸  
شعر معاصر ایران: فهیمه حسین زاده، علی عربی، شیرین خسروی، شیدا حسین زاده، پوریا گل محمدی، گروس عبدالملکیان / ۱۵۷  
شعر معاصر تاجیکستان: فردوس اعظم، ثریا حکیم اوا، آذر سلیم / ۱۶۳  
شعر ترجمه: دو شعر از جاف پیچ / برگردان: نادر احمدی / ۱۶۶  
دو شعر از یحیی حسن / برگردان: محمدشرف سعیدی / ۱۶۸  
داستان: جعفرم شکارچی شده / تقی واحدی / ۱۷۰  
زن / سکینه محمدی / ۱۷۲  
تلوآسه / قاسم قاموس / ۱۷۳  
زندگی خصوصی / میخائیل زوشنکو / برگردان: مهدی زرتشت / ۱۷۶

## بنیاد اندیشه

## رویداد

یادکرد: غریب در وطن خویش / بصیر احمد حسین زاده / ۱۸۰  
از آموزه های آن نخستین آموزگار / شهرزاد اکبر / ۱۸۲  
آریانپور، آغاز انقلاب پارادایمی در تاریخ نگاری افغانستان و ایران / قنبرعلی تابش / ۱۸۴  
رستم از این نفس و هوا، زنده بلا مرده بلا / حسین حیدر بیگی / ۱۸۷  
گزارش: تو که به غربت گل ها گریستی ای مرد / شاه محمود ترخانی / ۱۹۰  
گزارشی از سومین جشنواره بین المللی حقوق بشر افغانستان / حسین علی کریمی / ۱۹۴  
گزارشی از جشنواره بین المللی فیلم مهرگان / محمد کیامهر / ۱۹۶  
گزارشی از فعالیت های ادبی در کابل / محمد جاوید / ۱۹۸  
نیکوداشت شادروان محمد ناصر نصیب / حسین علی کریمی / ۲۰۰  
صلح لبخند می زند / قدرت الله رجوی / ۲۰۲  
کتابخانه / ۲۰۴

# عاشقے گر زین سرو گر زان سراست

ما که روزگاری فکر رنگین و خیال‌انگیزی نسبت به اصلاح و ایجاد خیزش‌های علمی و فرهنگی در این آب‌و‌خاک در سر می‌پرورانده‌اند؛ امروزه در کام تاریک‌نای سردرگم نابسامانی این مقطع ویرانگر تاریخی دست‌وپا می‌زنند و این امر، فعالیت در زمینه فرهنگ را مشکل می‌سازد.

من و بعضی از دوستان فرهنگی‌ام نیز خیال‌های بسیاری را در مورد کار فرهنگی در این شهر و بین مردم خود در سر می‌پروراندیم و روزهای دور از وطنی را به هوای شور شیرین کار مطبوعاتی در وطن سر می‌کردیم؛ بدبختانه این آرزو سال‌های بسیاری در پشت دیوارهای متزلزل، به امید امروز و فردای بهتر و اماو اگرها، به درازا کشید و هیچ‌گاه آن طوری که باید دست آمل به دامن این لعبت مکاره نرسید و در این میانه، تندبادهای وحشی زمانه بسیاری از نسل قدیمی‌تر و نسل جوان فرهنگی ما را به سمت‌وسوی دیگر برد.

لذا بنا بر خالیگاه‌های فکری و فرهنگی در کشور و رویکرد بنیادین «بنیاداندیشه» به مسائل فکری و فرهنگی باعث شد که سنگ‌بنای یک فصلنامه تخصصی گذاشته شود و حوزه فرهنگ، ادبیات و هنر را پوشش بدهد. این مسئله با تک‌تک نویسندگان، شاعران و هنرمندان کشور در هرجایی که امروزه زیست می‌کنند در میان گذاشته شد؛ خوشبختانه همه آنان از این طرح خوش‌آیند استقبال کردند و اندک‌اندک جمع‌مستان گردهم آمدند. بدین جهت، فصلنامه «ادبیات معاصر» شکل گرفت.

با کمال خوشبختی کار مطبوعاتی در افغانستان نوپا نیست. ما دوران طلایی و نشریات طلایی و محکمی را در پس‌زمینه تاریخ مطبوعاتی خودمان داریم؛ چه مجلاتی که به شکل حرفه‌ای در تاریخ مطبوعات داخل کشور منتشر شده‌اند مثل «مجله کابل»، «ژوندون»، «غرجستان» و... چه فصلنامه‌ها

سفر و جابه‌جایی‌ها همیشه آزاردهنده است؛ چه از وطن به‌سوی دوردست‌ها، چه از دوردست به‌سوی وطن؛ شاید این خصلت برخاسته از این پندار و تکرار باشد که انسان‌نوعی در هر جایی عمری را بگذراند به همانجا دلبستگی‌های ناگسستنی پیدا می‌کند و تمام رنج دور از وطنی را به رخسار یاران دیرینه‌اش به فراموشی می‌سپارد.

روزی که چمدان کوچکم را بسته و بدون خداحافظی با تمام دوستان و با تمام دل‌شوره‌های بیان ناشدنی به‌سوی کابل می‌آمدم و از آسمان زادگاهم می‌گذشتم، هیچ تصویری روشنی از امکان‌پذیر بودن و عدم امکان‌پذیری فعالیت در زمینه حوزه فرهنگ، ادبیات و هنر را در پیش روی و خصوصاً در شهر کابل نداشتم؛ شهری که در دیوارش رنگ‌وبوی سیاست به خود گرفته است، خروس خوانش با سیاست آغاز می‌شود و شامگاهش با سیاست پایان می‌یابد و گاه با سوگنامه در فراق عزیزی که در وحشت انتحار و انفجار خونشان خیابان‌ها را رنگین می‌کنند.

واقعیت این است که فعالیت تخصصی در زمینه‌های فرهنگ، ادبیات و هنر با توجه به گفتمان حاکم بر اوضاع و احوال کشور، شبیه آفتابی است که ممکن است مدتی کوتاه و یا کمی بلندتر پشت ابرهای نابسامانی‌های اجتماعی حال ما باقی بماند؛ اما دیر یا زود، سرانجام به ذهن و ضمیر جامعه طوفان‌دیده خواهد تابید و بر سال‌های سیاه پر از جهالت این مقطع تاریخی که تمام شئون اجتماعی ما را در بر گرفته است، غلبه خواهد کرد. در طی این سال‌ها، بسیاری از نسل جدید و تحصیل‌کرده در این شهر و کشور قدم گذاشته‌اند؛ اما اندکی به ایدئال‌های علمی و فکری‌شان باقی‌مانده‌اند. بسیاری از نسل تحصیل‌کرده

این سال‌ها و حال بیشتر در غم نان و زندگی گیر کرده‌اند تا شوق آفرینش‌های ایدئال هنری، ادبی و فرهنگی. این مسئله باعث شده است که در طی سال‌های گذشته نویسندگان، شاعران و هنرمندان آن طوری که می‌بایست نتوانند دردها، برداشته‌ها و دغدغه‌های ذهنی خودشان را بیان کنند و بستری برای ارج‌گذاری داشته باشند.

از سوی دیگر جدایی و دورازهم‌بودن نویسندگان، هنرمندان و منتقدین از یکدیگر بنا بر اخلاق حاکم بر جامعه سیاسی باعث شده است تا علی‌رغم کثرت مطبوعات و کار مطبوعاتی و فعالیت حلقه‌های وافر فرهنگی، نتوانند آنچه‌شان که می‌بایست تمام فرهنگیان در کنار و یار هم باشند.

این مسئله در کلیت خود باعث به تحلیل رفتن نیروی بازوی فرهنگ در جامعه لاغر ما شده است. از طرف دیگر جامعه فرهنگی با عملکرد محدود و بسته‌ای که دنبال کرده است، خصوصاً در دهه اخیر، توانسته است در دل توده مردم جای باز کند و خوانندگان عمومی داشته باشد. از سوی دیگر، قشر تحصیل کرده‌ما نیز از حوزه مطالعات فرهنگی دور افتاده‌اند و نگاه از دور و طنزآمیزی نسبت به آفرینش‌های ادبی و هنری دارند.

بالاخره آفرینش ادبی و هنری بیان گوشه‌ای از درد مردم است و باید باشد؛ این آفریده‌ها بایستی در ذهن و ضمیر مردم جای باز کند و باعث تغییر رویکردها و نگرش‌های کج باشد. به نظر می‌رسد هرگاه حلقه‌ها، جمع‌ها و جماعت‌هایی که شکل گرفته‌اند سعی کرده‌ایم سر در لاک خودمان داشته باشیم و دنیای فانتزی خودمان را بسازیم. در این صورت زمین بی‌حاصلی را زرع خواهیم کرد. البته بخشی این معضل به کلیت اوضاع فرهنگی و اخلاقی کشور بر می‌گردد و به نیازهای اولیه‌ای که امروزه دست در گریبان ما دارد معطوف است.

مخاطب‌یابی و نگاه حرفه‌ای به نقد و تحلیل آثار ادبی، پرداخت به ادبیات ملل از دریچه ترجمه از جمله رویکردهایی‌اند که دغدغه اصلی اهالی «ادبیات معاصر» است. فضای نقد و بردباری همان‌طوری که در کلیت منش و اخلاق اجتماعی ما جای ندارد، جامعه فرهنگی ما نیز در همین اوضاع و احوال قرار دارد. نقد در کلیت بستر ادبی یکی از راه‌های رشد ادبیات تلقی می‌شود و موج‌های مهم فرهنگی همواره همگام با فضای درهم‌آمیخته با این نگرش به رشد و بالندگی رسیده است. ادبیات معاصر علاوه بر اینکه پرداخت و نگاه جامعی نسبت کلیت فرهنگی دارد، نگاه ویژه‌ای به فضای نقد ادبی خواهد داشت.

مدیرمسئول

و مطبوعاتی که در حوزه‌های مختلف مهاجرت جریان پویای ادبی و هنری را خلق کرده‌اند؛ مثل «در دری»، «خط‌سوم»، «سپیده»، «نقدوآرمان»، «آسمایی» و...؛ فصلنامه «ادبیات معاصر» نیز سعی دارد با نگاه نو در حوزه فرهنگ، ادب و هنر این سرزمین حضور مؤثر داشته باشد.

امروزه در افغانستان علی‌رغم تمام وحشت‌آفرینی‌ها زندگی ادامه دارد. فعالیت‌های فکری، فرهنگی و آفرینشی نیز جریان دارد؛ مانند داستان‌نویسی، شعر و سایر آفرینش‌های هنری. بستر فرهنگی موجود در کشور نسبتاً شور و هیجان آفرینش دارد. سالانه تعداد قابل قبولی آثار ادبی آفریده و به چاپ می‌رسد؛ اما آنچه‌شان که باید و شاید توجه و بها داده نمی‌شود؛ بدین طریق که معمولاً از آثار و آفریده‌های ادبی و هنری یک برنامه رونمایی برگزار می‌گردد و بعد به فراموشی سپرده می‌شود. این رویکرد نسبت به ادبیات و هنر به یک رسم و یک هنجار تبدیل شده است. از سویی خرده فعالیت‌های فرهنگی بسیاری در توالی زمانی در این کشور رخ می‌دهد. چندین حلقه ادبی در کشور، به‌ویژه در کابل فعالیت دارند. اتفاقات مهم فرهنگی رخ می‌دهند؛ اما تمامی این رویدادها و رخدادها زیر خاکباد و تندباد سیاست گم شده‌اند و جایی برای طرح و مباحث جدی برایشان یافت نمی‌شود.

یکی از دریچه‌هایی که از کثرت بی‌حدو اندازه‌ای برخوردار است، رسانه‌های تصویری است؛ اما متأسفانه مباحث فرهنگی اصلاً در برنامه‌هایشان وجود ندارد. با در نظر داشت این مشکلات، فصلنامه «ادبیات معاصر» در نظر دارد تا تمام نویسندگان، شاعران، منتقدان ادبی و هنری، هنرمندان و روزنامه‌نگاران کشور را در هر جایی که هستند گرد خودش جمع بیاورد و فصلنامه جایگاه شایسته‌ای برای پرداخت به مسائل و اتفاقات مهم فرهنگی و آفرینش‌های ادبی و هنری و تمام کسانی که نگاهی دردمندانه و خلاقانه نسبت به اوضاع فرهنگی کشور دارند، باشد.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

۲

حداقل در یک دهه گذشته با حضور صاحبان پروژه‌های کاری خارج از مرز و کمک‌های مالی جامعه جهانی و هم‌پیمانان افغانستان و سوژه‌های از پیش تعریف شده و تعیین شده نسبت به تولیدات فرهنگی، هنری و مطبوعاتی، از طرف صاحبان زر، دگرگونی خاصی را در حوزه اخلاق فرهنگی به وجود آورده و در این سال‌ها نتوانسته‌ایم آنچه‌شان که باید گام‌های حرفه‌ای برداریم. طبیعتاً اهالی قلم و هنر کسانی هستند که به‌عنوان عقاب تیزبین جامعه خود تمام کج‌تابی‌های اجتماعی را رصد کرده زبان به اعتراض و اصلاح می‌کشایند؛ لکن متأسفانه نویسندگان، شاعران، اهالی هنر، سینما و مستندسازان در طی